

# ۵ دیدگاه مختلف درباره پول

دیدگاه مردم درباره پول و پولداری به ۵ دسته مختلف تقسیم می شود.

**دسته اول** آنهایی هستند که اصلا پولدار شدن یا نشدن برایشان اهمیتی ندارد و اگر پولدار شدند که شدند و اگر پولدار نشدند که نشدند.

**دسته دوم** آنهایی هستند که می گویند **می خواهیم پولدار بشویم** اما فقط در حد خواستن است.

**دسته سوم** می گویند نه فقط می خواهیم پولدار بشویم بلکه **باید** پولدار بشویم که زمین و زمان را بهم می دوزند تا بشوند.

دسته چهارم و پنجم دقیقا مخالف دسته دوم و سوم هستند یعنی **دسته چهارم** آنهایی هستند که می گویند ما نمی خواهیم

پولدار شویم چون حس می کنند که شاید پولدار شدن آنها را از موضوعاتی که برایشان اهمیت بیشتری دارد دور نماید و **دسته**

**پنجم** می گویند نه اینکه فقط نخواهیم بلکه نباید پولدار شویم چون اینها یقین دارند که اگر پولدار شوند حتما از یک سری باورهای درستشان جدا می شوند.

اکثر نفرات دسته چهارم و پنجم آدمهای به ظاهر مذهبی هستند که وقتی در زندگی شان دقیق می شوی می بینی که مذهبشان بر گرفته از سیره پیامبر و امامان معصوم نیست بلکه باورهای از جنس دراویش و صوفیه دارند.

تفکرات اینها هیچ شباهتی با تفکرات اسلام درباره پول و ثروت ندارد و تنها عقاید باطلشان را در پوشش اسلام جلوه می دهند. شما بزرگ دین اسلام یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را که نگاه می کنی می بینی همسر همین پیامبر نازنینمان یعنی خانم خدیجه سلام الله علیها ثروتمندترین فرد زمان خودش بوده است که از راه تجارت به این ثروت هنگفت رسیده است.

در اکثر منابع تاریخی نظیر یعقوبی و طبری آورده اند که بیش از ۸۰ هزار شتر داشته اند که محصولات و کالاهای تجاری ایشان را

از شهری به شهر دیگر جابجا می کرده اند و این تنها بخش اندکی از ثروت ایشان بوده است که به یک درصد نمی رسد.

نویسنده قصد دارد شما را در این مقاله به این نقطه برساند که اگر واقعا دنبال راهی به سوی ثروت هستید باید جزء دسته سوم باشید یعنی همان دسته ای که می گویند باید ثروتمند شویم و از این خواسته شان به هیچ وجه کوتاه نمی آیند.

شاید بعضی از شما بگویید گروه دوم یعنی کسانی که می خواهند ثروتمند شوند هم خوب است اما ای بزرگوار باید بدانید که انسان در مقابل این خواسته هزاران خواسته دیگر دارد که چه بسا این اولویت ها بهم بخورد و تضاد بین خواسته ها پدید آید و جایی از زندگی برگردی و نگاه کنی ببینی خواسته ثروتمند شدن لا به لای خواسته های دیگر به فراموشی سپرده شده است و دیگر اثری از آن در وجودت نیست.

ما باید به این نقطه برسیم که باید پولدار شویم و ذره ذره وجودمان این پول خواستن را فریاد بزند.

# سوال: چرا باید پولدار شویم؟

حالا سوال مهم و اساسی اینجاست که چرا باید پولدار شویم؟ این پول به چه کاری می آید که آن را تبدیل به یک باید می کند؟ اجازه دهید به این سوال به صورت معکوس بپردازیم یعنی بگوییم اگر پولدار نباشیم چه اتفاقاتی می افتد آنگاه اهمیت پول در ذهنمان بهتر جا می افتد.

دو حالت برایمان پیش می آید.

حالت اول می شود فقر که فقیر یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است و نمی تواند کمر راست کند.

یقینا می دانید که فقر ریشه هزاران کثیفی، گناه و ناپاکی است تا جایی که پیامبرمان فرمود: فقر نزدیک است انسان را به کفر بکشاند.

آنهايي که می گویند پولدار شدن انسان را خراب می کند حتی اگر فقط یکبار به آثار بی پولی و فقر در زندگی مردم دقیق شوند

تصدیق خواهند کرد که گناه و زشتی که در فقر هست ده برابر از گناه و خرابی که می تواند در ثروت باشد بیشتر است.

سوال دیگر اینست که اگر ما پولدار باشیم قرار است چه کار کنیم که در بی پولی نمی توانیم مرتکب گردیم؟

آن در گذشته بود که اگر شخصی پولدار بود می توانست سمت گناه و فحشا برود و اگر فقیر بود قدرت گناه از او گرفته می شد در حالیکه در عصر ما کفایت شخصی یک گوشی موبایل یا ماهواره یا هر چیز دیگری داشته باشد تا هر ناپاکی و کثیفی را بتواند مرتکب شود.

تازه اینطور نبود که در گذشته ها هم هر پولداری به سمت کثیفی برود و خیلی ها هم نمی رفتند.

اینکه انسان کثیف باشد یا پاک خیلی تابع پول نیست بلکه تابع شخصیت اوست.

انسانی که شخصیتش کوچک است و هیچ رشدی نداشته است بی پول هم که باشد سمت کثیفی ها و ناپاکی ها می رود و آنکه

شخصیتی بزرگ منشانه دارد پولدار هم که بشود هیچگاه سمت  
خطا و گناه نمی رود و خودش را پاک نگاه می دارد.

به طور مثال کسی که از نظر شخصیتی در جایگاه پایینی قرار  
دارد در مسجد خدا هم که بنشیند به فکر ناموس مردم است و  
آنکه شخصیتی بزرگ دارد در وسط شهر لس آنجلس هم که  
رهایش کنی دنبال ناموس مردم نمی رود.

پس اصالت به شخصیت است و بی پولی و پولداری بهانه است  
و یک جورهایی انسان هایی که نمی توانند پولدار شوند ناتوانی و  
بی عرضگی خودشان را در پس کلماتی به ظاهر زیبا کاور  
می کنند تا عیب و ایرادشان را بپوشانند.

این گروه سعی می کنند به اسم دین و خدا و پیغمبر فقر  
خودشان را مقدس جلوه دهند و آنهایی که پولدار هستند را  
ناپاک بخوانند تا اطرافیانشان را قانع کنند که دلیل بی پولی شان  
زهد و تقوا و امثال این کلمات است و این می شود همان جهل  
مقدسی که باید به خدا از شر آن پناه برد.

# مثال هایی از آثار فقر و نداری

چقدر از پسران و دخترانمان به خاطر فقر و بی پولی رفتند سمت مواد مخدر و به اعتیاد پناه آوردند؟

چقدر از آنها به سمت دزدی روی آوردند؟

چقدر از پدرهایمان به خاطر بی پولی آبرویشان نزد مادر و خواهر و برادرهایمان رفت و در نگاه آنها خوار و حقیر شمرده شدند؟

چقدر از مادرهایمان به خاطر اینکه نداشتند تا برای فرزندشان آنچه که می خواستند را بخرند خجالت زده و شرمنده شدند؟

و در تمام این لحظات انسان با خودش می گوید **ای کاش داشتم** تا نمی گذاشتم پدرم، مادرم، برادرم و خواهرم به این خفت و خواری بیفتند.

حالا یکی هست که می گوید چرا نویسنده قصد دارد فیلم هندی بسازد و اشک خواننده را در بیاورد؟

همه هم که فقیر نیستند آنگونه که شما می گویی.

بله درست است و اینجا می شود همان گروه دومی که فقیر نیستند اما پولدار هم نیستند.

فقط زنده می مانند و زندگی نمی کنند.

روزها را برای زنده مانی سپری می کنند نه زندگانی.

خیلی بخواهیم خوشبینانه هم به این افراد نظر بیندازیم اینست

که یک پس انداز محدودی هم دارند اما آیا قبول ندارید که این

دسته از مردم هم که اکثریت جامعه ما را تشکیل می دهند در

دلشان دنیایی نگرانی و دلواپسی وجود دارد؟

نگرانی تورم.

نگرانی آینده خودشان و فرزندانشان.

نگرانی اینکه اگر یک مریضی به جان من یا خانواده ام بیفتد که

نیاز به عمل جراحی سنگینی باشد دیگر همان پس انداز هم

جوابگو نیست و باید کاسه چه کنم به دست بگیرم و نزد این و

آن رو بزنم تازه معلوم نیست کسی پیدا شود که دردم را چاره

کند یا خیر.



نگرانی اضافه کردن پول رهنی که صاحبخانه هر سال بر آن اضافه می کند.

نگرانی خرج دانشگاه بچه هایم.

نگرانی جهیزیه دخترم.

نگرانی شغل و کسب و کار پسرم که چگونه او را روانه خانه و زندگی اش نمایم.

و هزاران نگرانی دیگر که فکر و اعصاب انسان را بهم می ریزد.

بعد آیا فکر کرده اید که ثمره همه این نگرانی ها چه می شود؟  
می شود استرس.

می شود افسردگی.

می شود مریضی و بیمارستان.

سری به بیمارستان ها بزنید و دقت کنید که چقدر شلوغتر از

سال های قبل شده است با اینکه علم پزشکی روز به روز در

حال پیشرفت است و باید تعداد مریضی ها کمتر و کمتر می

شد اما دقیقا برعکس است.

از دکترها می پرسیم که چرا اینقدر شلوغ است؟

می گویند همه اینها از اعصاب است.

معدده و گوارش می روی می گویند مال اعصاب است.

دست و پا می گویند اعصاب است.

چشم و گوش می گویند فشارهای عصبی باعث شده که اینگونه

شوی.

قلب می گوید همه اینها مال عصب است.

نتیجه هم می شود اینهمه مرگ های زودرس و ناگهانی که فلانی

جوان بود یهو سخته کرد و مرد.

نه عزیز دلم این مرگ یهویی نبوده است بلکه سال ها استرس

نداری و بی پولی و نگرانی آینده را در وجودش تحمل کرده که

حالا خودش را در لحظه ای با سخته کردن نشان داده است.

حالا با خودتان بگویید اینهمه فشار عصبی از کجا می آید؟

با اینکه این آدمها فقیر هم نبودند و ستون فقراتشان هم

نشکسته بود.

بله عزیز درست است که فقیر نبودند اما نگرانی فقیر شدن در آینده را همواره در فکر و ذهنشان داشته اند.

و همین نگرانی برای آینده کافیهست تا انسان را از پا در بیاورد و به ورطه نابودی بکشاند.

نشنیده اید که می گویند وصف العیش نصف العیش؟

یعنی حتی توصیف خوشی و لذت بدون آنکه آن را بچشی نیمی از لذتش را با خود به همراه دارد.

دقیقا برعکس این موضوع هم صادق است.

نگرانی از فقیر شدن به اندازه نصف فقیر شدن انسان را از پا در می آورد و کمرش را می شکند.

از بدی های بی پولی و فقر تا اندازه ای گفتیم اما خدا می داند که فقر زشت تر و دردناکتر از آنست که بخواهد به قلم همچون منی در بیاید و توصیف شود.

فقر ریشه هفتصد گناه است و اگر به زندان ها سر بزنی می بینی بیش از ۹۵ درصد جرم ها از آثار فقر و نداریست.

# اگر پولدار باشیم چه می شود؟

اگر پولدار باشم خانه ام را می خرم و دیگر نگران اجاره ماهیانه و پول رهن و سر سال بلند شدن یا تمدید کردن نیستم.

اگر پولدار باشم ماشین مدل بالا و باکیفیت می خرم و نگران یک سفر امن در جاده نیستم.

پولدار باشم تفریحات سالمم را کنار خانواده ام دارم و نگران اینکه افسردگی مرا و عزیزانم را از پا در بیاورد نمی شود.

پولدار باشم ورزش های گرانبهائی که دوست دارم می روم.

پولدار که باشم با حوصله و دلی آسوده گوشه ای دنج از یک نقطه آرام را انتخاب می کنم و کتاب هایی که عاشق خواندنشان هستم می خوانم.

پولدار باشم مهمانی می گیرم و فامیل و دوست و آشنا را دعوت می کنم و صله رحم را به بهترین شکل به جا می آورم.

پولدار که باشم به فقرا و نیازمندان کمک می کنم.

پولدار که باشم ویلایی می خرم تا با اقوام و بستگان در ایام تعطیلات به آنجا برویم و خستگی را از تنمان خارج کنیم و با روحیه ای مضاعف به زندگی برگردیم و خودم را از فشارهای روزمره زندگی آزاد می کنم.

پولدار باشم برای خانواده ام یک زندگی با رفاه کامل می سازم. پولدار باشم در و همسایه کسی به گیر و مشکلی بخورد کمک حال او خواهم بود و نیازش را برطرف می کنم.

پولدار باشم در فامیل کسی گره ای به کارش خورد جمع و جورش می کنم و اجازه نمی دهم به خفت و خواری بیفتد. پولدار باشم جهیزیه دختر فقیری را برایش می گیرم.

پولدار باشم هزینه زندگی چند بچه یتیم را در همان یتیم خانه تقبل می کنم.

پولدار باشم برای بچه های نیازمند لوازم التحریر و کیف و کفش و لباس می خرم تا از علم و دانش عقب نیفتند و آینده شان تباه نشود.

پولدار باشم مسجدي، مدرسه ای یا بیمارستانی می سازم.  
پولدار باشم کارگاه توليدي میزنم و زنان بی سرپرست و جوانانی  
که اگر کار داشته باشند ازدواج می کنند را سر کار می آورم.  
پولدار باشم سفرهای متنوع داخلی و خارجی می روم تا به  
تجربیات زندگی ام افزوده شود.

پولدار باشم دیگر نیاز نیست در سفر کنار یک سرویس بهداشتی  
چادر بزنم بلکه در بهترین هتل های لاکچری آن شهر شب را  
مستقر می شوم تا خجالت زده زن و بچه ام نباشم.

پولدار که باشم غذاهای خوب و سالم و مغذی می خورم.  
پولدار باشم لباس های شیک و مرتب و مجلسی می پوشم.

**چرا باید فکر کنم اگر پولدار باشم کثیف می شوم؟**

من اگر پولدار باشم یقیناً انسان پاک تری هستم.  
دین ما می گوید تفریح مومن سوارکاری و تیر اندازی و شناست.  
پولدار که باشم اسب می خرم.

باشگاه تیراندازی می روم و سانس اختصاصی شنا می گیرم.

دین ما می گوید از سعادت مومن داشتن خانه ای بزرگ، مرکبی راهوار، همسر شایسته و فرزندان صالح است.

پولدار باشم یک خانه بزرگ و شیک و لاکچری می خرم در یک منطقه باکلاس و مدرن شهر زندگی می کنم.

ماشین آخرین مدل را سوار می شوم.

از یک خانواده اصیل و باکلاس برای فرزندانم همسر می گیرم.

عروسی قشنگ و آبرومند برگزار می کنم که حرف و حدیث فامیل پشت سرمان نباشد.

برای فرزندانم اسباب راحتی در زندگی را فراهم می کنم و کمکشان می کنم تا بتوانند روی پای خودشان بایستند و مستقل شوند.

پولدار باشم برای تربیت درست فرزندانم در هر زمینه ای که نیاز باشد معلم خصوصی می گیرم و نگران اصلاح شدنشان نیستم.

پولدار باشم راه درست زندگی کردن را برای خودم، همسرم و فرزندانم در پیش می گیرم.

# سخن آخر از مولا علی علیه السلام

مولای متقیان امیر مومنان علی علیه السلام می فرمایند:

چه یاری کننده خوبیست پول و ثروت در مسیر تقوای الهی.

پس با خودم عهد ببندم که باید پولدار شوم.

اگر اینگونه شود دنبال پول می افتم تا به دستش بیاورم.

و اینجاست که یک سوال مهم ذهنم را هر روز با خودش در گیر

خواهد کرد و آن اینست که:

## پول کجاست؟

اگر عمری باشد در مقالات بعدی به این سوال پاسخ می دهم.